

موجبات نشوز زوج در فقه امامیه و حقوق ایران

طیبه حلیمی^۱، سید رسول آقایی^۲

چکیده

پژوهش حاضر علل و عواملی که باعث اطلاق واژه نشوز به زوج می‌شود را بررسی می‌کند. آیه ۱۲۸ سوره مبارکه نساء درباره نشوز است. نشوز زوج به معنای تخلف و امتناع زوج از ایفای وظایف زوجیت است. مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی به زوجه اجازه می‌دهد تا در صورت نشوز زوج به دادگاه مراجعه کند و درخواست طلاق دهد. به دلیل اهمیت بحث نشوز زوج و نقش آن در بنیان خانواده، ضروری است تا قلمروی نشوز زوج از منظر فقهی - حقوقی بررسی شود. موجبات نشوز زوج عبارتند از: ترک انفاق، ترک حق قسم، عدم رعایت حق مواقعه و سوء معاشرت زوج با زوجه. در قانون مدنی در خصوص حق قسم و مواقعه ماده‌ای نیامده است، ولی حقوق دانان با توجه به عرف و عادت مسلم، آن را جزء حقوق غیرمالی زوجه دانسته و تخلف از آن را نشوز می‌دانند. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: نشوز، زوج، انفاق، حق قسم، حق مواقعه، حسن معاشرت.

۱. مقدمه

نهاد خانواده در دین مقدس اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. در شریعت اسلام به منظور تنظیم روابط اعضای خانواده برای هر یک از زوجین حقوق و تکالیفی مشخص شده است که سرپیچی از آنها وظایف نشوز نامیده می‌شود. نشوز فقط مخصوص زوجه نیست و همان‌طور که ممکن است زوجه ناسزه شود، زوج نیز در صورت تخلف از تکالیف زوجیت ناسز نامیده می‌شود. وظایف چهارگانه زوج در برابر زوجه، پرداخت نفقه، مهریه، تکلیف نسبت به حق المضاجعه و تکلیف نسبت به حق

^۱ . دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، افغانستان.

^۲ . مدرس گروه علمی - تربیتی معارف اسلامی و حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، ایران.

المواقعه است و این‌ها جدای از وظیفه معاشرت به معروفی است که هر یک از زوجین نسبت به یکدیگر باید داشته باشند. خداوند در آیه ۱۲۸ سوره مبارکه نساء به نشوز زوج اشاره کرده است. فقها نیز در کتب خود ذیل کتاب نکاح به نشوز و مباحث مربوط به آن پرداخته‌اند. مسئله نشوز زوج از جمله مواردی است که آثار نامطلوبی بر نظام خانواده داشته است و باعث می‌شود تا خانواده کارکردهای خود را از دست بدهد. یکی از مهمترین علت‌های درخواست طلاق از جانب زوجه، نشوز زوج است. به دلیل اهمیت موضوع و نقش آن در استحکام بنای خانواده، پژوهش حاضر موجبات نشوز زوج در فقه و حقوق را بررسی می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. نشوز در لغت

نشوز جمع نثر به معنای برتری، برآمدگی و ارتفاع است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲۳۲/۶) عرب به مکان مرتفع یا بلندی قسمتی از زمین، النَّشْرُ یا النَّشْرُ می‌گوید. در لسان‌العرب، نشوز زوجین به معنی کراهت داشتن و سوء معاشرت با یکدیگر آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۱۷/۵).

۲-۲. نشوز در اصطلاح

فقها تعریف واحدی از نشوز ندارند و نظرات آنها درباره مفهوم نشوز به سه دسته تقسیم می‌شود:
- به خروج از طاعت و امتناع هر یک از زوجین از وظایفی که خداوند بر هر یک از آنها در برابر یکدیگر واجب کرده است، نشوز می‌گویند؛ (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۰۰/۳۱؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۳۵۴/۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲۸۲/۲)

- به کراهت هر یک از زوجین نسبت به دیگری نشوز می‌گویند؛ (سعدی، ۱۴۰۸، ص ۳۵۳)

- تعریف نشوز زوجه به خروج از اطاعت زوج (عبدالرحمن، بی تا، ۴۱۹/۳) و نشوز زوج به کراهت از زوجه. (صدوق، ۱۴۱۵، ص ۳۵۰؛ حلی، ۱۴۱۰، ۷۲۸/۲؛ طوسی، ۱۴۰۸، ص ۳۳۲)

در اصطلاح حقوق به تخلف زوج یا زوجه از تکالیف و حقوق زوجیت به زیان یکدیگر نشوز می‌گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۳۶۴۳/۵) با توجه به تعاریف فوق روشن می‌شود که نشوز فقط مخصوص زن نیست، بلکه مرد نیز ممکن است در برابر زوجه خود نسبت به انجام تکالیف واجب خود اقدامی نکند و از این نظر ناشز محسوب شود. قرآن کریم هم نشوز را به هر دو معنا به کار برده است. خداوند می‌فرماید: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ» (نساء: ۳۴) که منظور خروج

از اطاعت زوج توسط زوجه است. همچنین می‌فرماید: «وَإِنْ أَمْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا» (نساء: ۱۲۸) که منظور، نشوز مرد از انجام تکالیف واجب در قبال زوجه خود است. درباره نشوز زوجه و مباحث مرتبط با آن مقالات متعددی نوشته شده است، ولی پژوهش‌گران کمتر به بحث پیرامون نشوز زوج پرداخته‌اند.

۳. ترک انفاق

تأمین هزینه‌های زندگی زن در حد متعارف و با رعایت شأن و منزلت او که از آن به نفقه تعبیر می‌شود از جمله حقوق مالی زوجه است که در شرع (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲/۲۸۳؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۳۶۲/۸؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۲/۱۵۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۲۴/۶۱۹؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ۳۰۶/۲) و قانون^۱ به عهده مرد بوده و ترک آن نشوز شمرده می‌شود. نفقه حقی حقوقی است، یعنی ضمانت اجرا دارد و در دادگاه مطالبه‌شدنی است. (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰، ۳/۲۰۰) شهیدثانی در این زمینه می‌نویسد:

اگر مرد از حقوق واجب زن مثل نفقه و قسمت امتناع ورزد یا بداخلاقی کند و همسرش را آزار دهد یا بدون مجوز او را کتک بزند، اگر پند دادن به او سودمند باشد، زن باید او را نصیحت کند و در غیر این صورت به حاکم شرع مراجعه کند. (عاملی، ۱۴۱۳، ۳۶۲/۸)

فقه‌های امامیه می‌فرمایند: «نفقه زوجه دائم که بر زوج لازم است عبارت است از طعام دادن، پوشانیدن لباس، تهیه مسکن و لوازم زندگی و سایر چیزهایی که به حسب شأن برای زن لازم است». (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱/۳۰) قانون مدنی در ماده ۱۱۰۷ نفقه را عبارت از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن مانند مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل، هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض می‌داند.

۳-۱. بررسی فقهی اثبات وجوب انفاق

۳-۱-۱. آیات

(اول) آیه ۳۴ سوره نساء

^۱ ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی: «در عقد دائم، نفقه زن به عهده شوهر است.»

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ.

مردان، سرپرست و نگهدارندگان زنانه به سبب برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به سبب انفاق‌هایی که از اموالشان بر زنان می‌کنند.

این آیه مردان را به سبب فضیلتی که بر زنان دارند مانند فزونی دانش، عقل، اراده و رأی نیکو و به سبب انفاقی که به آنها می‌کنند، مسلط بر زنان معرفی کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶۹/۳) بر اساس این آیه، پرداخت هزینه زندگی به طور عام و مخارج زوج به طور خاص بر عهده زوج است که باید بر اساس شأن زوج انجام شود. علامه طباطبایی می‌فرماید: «قیم کسی است که عهده‌دار مخارج دیگری شده است و به او انفاق می‌کند و مقصود از انفاق مردان به زنان، پرداخت مهریه و نفقه آنان است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۴۳/۴). بنابراین، عبارت «بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» علت برای قوامون است و مردان به سبب انفاق بر زنان، سرپرستی آنها را بر عهده دارند. «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده است (پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته بپردازد» (بقره: ۲۳۳) در این آیه، رزق (خوراک) و کسوه (پوشاک) از مصداق‌های نفقه شمرده شده است. در مجمع‌البیان آمده است: «بالمعروف، یعنی به اندازه‌ای که ممکن است و وجوب انفاق زوج به سبب شیردادن نیست، بلکه به دنبال زوجیت است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۸۷/۲). آیه شریفه، نفقه زنان را تکلیفی به عهده مردان معرفی کرده است.

دوم) آیه ۶ سوره طلاق

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ.

آنها [زنان مطلقه] را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید و مجبور به ترك منزل شوند و اگر باردار باشند نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند.

آیه فوق به وجوب نفقه برای مطلقه حامله تصریح می‌کند. زمانی که نفقه برای مطلقه واجب باشد، نفقه زوج‌های که عقد زوجیت بین او و همسرش برقرار است به طریق اولی بر زوج واجب است.

سوم) آیه ۷ سوره طلاق

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَ مَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ.

آنان که امکانات وسیعی دارند باید از امکانات وسیع خود (همسر بچه‌دارش را در ایام عده) انفاق کنند و آنها که تنگ‌دست هستند از آنچه که خدا به آنها داده، انفاق کنند.

در این آیه خداوند مردان را امر می‌کند که به قدر توانایی از آنچه که خدا به آنها داده، انفاق کنند. چنان‌که دلالت آیه بر وجوب انفاق بر مطلقه رجعیت دارد به طریق اولی دلالت بر وجوب انفاق نفقه بر زوجه دارد. (صادقی، ۱۳۹۰، ص ۹۸)

۳-۱-۲. روایات

اول) صحیحہ ابی بصیر از امام باقر علیه السلام

در صحیحہ ابی بصیر مرادی از امام باقر علیه السلام آمده است: «کسی که نزد خود همسری دارد و او را نپوشاند و غذایش ندهد بر پیشوای مسلمانان است که میان آن دو جدایی افکند». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۵۰۹/۲۱) در این روایت، امام باقر علیه السلام مرد را موظف به پرداخت نفقه همسرش کرده و ضمانت اجرای آن را جدایی زوجه از زوج بیان کرده است.

دوم) صحیحہ اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام

در صحیحہ اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

از حضرت پرسیدم حق زن بر شوهر چیست که اگر شوهر آن را انجام دهد، نیکوکار است؟ فرمود او را سیر کند و بپوشاند و اگر خطایی از او سر زد او را ببخشد. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۵۱۱/۲۱)

بر اساس این روایت یکی از وظایف زوج در قبال زوجه پرداخت نفقه زوجه است. هر دو روایت به دلیل ثقه و امامی بودن راویان آنها صحیح هستند و از جهت دلالت، وجوب انفاق شوهر به همسرش را به طور صریح بیان کرده‌اند. بنابراین، زوج در صورت ترک حق نفقه همسرش ناشز است.

۳-۲. بررسی حقوقی

از دیدگاه حقوقی نیز با استناد به ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی وظیفه تأمین مخارج خانواده به طور کلی به عهده شوهر است. شوهر مکلف است نفقه زن را پرداخت کند و زن حق دارد در صورت خودداری شوهر از دادن نفقه، طبق قانون به محکمه رجوع کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳)

ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: «زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند. در این صورت محکمه میزان نفقه را معین کرده و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد»، پس حق نفقه از حقوق اختصاصی زوجه و سرپیچی از آن نشوز است (امامی، بی‌تا، ۴۵۳/۴؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵). در لزوم پرداخت نفقه، فقر و عدم فقر زن تأثیر ندارد. زن هر چند دارایی و شغل داشته باشد و صاحب حقوق و درآمد باشد، می‌تواند آن را برای خود ذخیره کند و به هیچ وجه از آن برای مخارج خانواده و حتی مخارج خود استفاده نکند (مهرپور، ۱۳۷۹، ص ۴۳؛ حبیبی تبار، ۱۳۸۶، ص ۴۷۹).

۳-۳. ترک موافقه

به موجب عقد ازدواج هر یک از زن و شوهر حق بهره‌مندی و تمتع جنسی از یکدیگر را با توجه به نیازهای جنسی بشری دارند. بنابراین، حق آمیزش جنسی، حق مشترک هر یک از زوجین است که جز با مشارکت و تفاهم آنها حاصل نمی‌شود. برقراری رابطه جنسی میان زن و شوهر در زندگی زوجین اهمیت زیادی دارد؛ زیرا بی‌توجهی و بی‌رغبتی به آن باعث ایجاد کدورت و اختلاف میان زوجین و در نتیجه از هم پاشیدن خانواده می‌شود، پس اسلام توجه خاصی به آن دارد و احکام معینی را در این باب وضع کرده است. مباشرت جنسی با زوجه از اموری است که زوج باید نسبت به آن اهتمام داشته باشد. مباشرت جنسی زن از حقوقی است که هر چهار ماه یک بار بر مرد تکلیف شده (اراکی، ۱۴۱۴، ۸۹/۲) و مرد در صورت ترک آن ناشز است. برخی فقها بر این باورند که ترک نزدیکی زوجه بیش از چهار ماه جایز نیست و اگر زوج آن را ترک کند، معصیت کرده است. (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۴۸۲؛ حلی، ۱۴۱۰، ۶۰۶/۲) برخی فقها این مدت را برای زن جوان کمتر می‌دانند و بر این نظرند که اگر امتناع مرد باعث شود که زن در سختی قرار گیرد، مورد از مصادیق عسر و حرج خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ص ۴۵). شهید ثانی نیز حکم مذکور را مورد توافق همه می‌داند (عاملی، ۱۴۱۳، ۶۶/۷). صاحب حدائق می‌گوید: «فقها بر عدم جواز ترک نزدیکی بیش از چهار ماه تصریح کرده‌اند» (بحرانی، ۱۴۰۵، ۸۹/۲۳). صاحب جواهر نیز این حکم را به بیشتر فقها نسبت داده است (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۱۵/۲۹).

۳-۳-۱. بررسی فقهی هنگام ترک موافقه

۳-۳-۱-۱. آیات

اول آیه ۱۲۸ نساء

وَإِنَّ امْرَأَةً حَاثَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا.

و اگر زنی از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند و صلح بهتر است، اگر چه مردم بخل می‌ورزند و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

در مجمع‌البیان آمده است:

اگر زنی علم پیدا کند که همسرش به دلیل زشتی یا بالابودن سنش خود را از او بالاتر می‌داند و به زن دیگری علاقمند است یا اینکه شوهرش از او یا پاره‌ای از حقوقی که نسبت به او باید انجام دهد، اعراض کند، پس بر هیچ یک از آن دو گناهی نیست که میان خود آشتی برقرار کنند و زن می‌تواند پاره‌ای از حقوق خود مانند نفقه، پوشاک و ... را به همسرش ببخشد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۸۲/۳)

برخی فقها با استناد به این آیه شریفه می‌گویند:

اگر نشانه‌های نشوز زوج ظاهر شد به گونه‌ای که مرد همسرش را فرامی‌خواند، ولی از او امتناع می‌کند، پس زوجه می‌تواند برخی از حقوق مانند پوشش، نفقه و حق قسمت خود را به زوج واگذار کند. (طوسی، ۱۳۸۷، ۳۳۹/۴؛ طرابلسی، ۱۴۰۶، ۲۶۵/۲)

شهید ثانی می‌نویسد:

اگر زوج از حقوق واجب زوجه مثل نفقه و قسمت امتناع ورزد یا بدخلقی کند و همسرش را آزار دهد یا بدون مجوز او را کتک بزند، اگر پنددادن به شوهر سودمند باشد، زن باید او را نصیحت کند و در غیر این صورت به حاکم مراجعه کند. (عاملی، ۱۴۱۳، ۳۶۲/۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۶۱۹/۲۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ۱۵۳/۲)

با توجه به اینکه نزدیکی هر چهار ماه یک بار از حقوق واجب زوجه است و ترک حقوق واجب زوجه از سوی زوج نشوز است، پس امتناع زوج از نزدیکی بیش از چهار ماه نشوز است.

دوم) آیه ۲۲۶ و ۲۲۷ بقره

لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَشْهُرٍ فَإِن فَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ. وَإِن عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

کسانی که زنان خود را ایلاء می‌کنند (سوگند یاد می‌کنند که با آنها آمیزش جنسی نکنند) حق دارند چهار ماه انتظار بکشند (و در ضمن این چهار ماه وضع خود را با همسر خویش از نظر ادامه زندگی یا طلاق روشن کنند) اگر بازگشت کنند چیزی بر آنها نیست؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است و اگر تصمیم بر جدایی گرفتند (آن هم با شرایطش، مانعی ندارد) خداوند شنوا و داناست.

صاحب تفسیر المیزان می‌نویسد:

يُؤْلُونَ فعل مضارع از مصدر ایلاء به معنای سوگند است، اما از نظر شرع در قسم خاصی از سوگند به کار می‌رود و آن زمانی است که برای ضرر رساندن به همسرش سوگند یاد کند که دیگر نزد او نرود و واژه تَرَبُّصُ به معنای انتظار و کلمه فیء مصدر فعل فاءوا به معنای برگشتن است و اینکه يُؤْلُونَ با حرف من متعدی شده است به معنای دوری‌گزیدن است، پس مقصود از سوگند این است که از مباشرت جنسی با زنان دوری کنند. در این آیه تَرَبُّصُ به چهار ماه محدود شده است؛ زیرا حد چهار ماه همان اندازه‌ای است که شارع مقدس برای ترک مباشرت با همسران تعیین کرده است و بیش از آن نمی‌توانند آن را ترک کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲/۲۲۶)

شهادتانی نیز می‌گوید:

ایلاء به معنای قسم است و در شرع به معنای قسم خوردن شوهر بر ترک آمیزش با همسر دائم خود به مدت نامعلوم یا بیش از چهار ماه به منظور زجر دادن اوست. در این صورت بر مرد واجب است که سوگند خود را نقض کند و باید کفاره سوگند را بپردازد. (عاملی، ۱۴۱۰، ۱۴۷-۱۴۵/۶)

از آیه شریفه به دست می‌آید که نهایت انتظار زن چهار ماه است و بعد از آن مرد یا باید رجوع کند یا زن را طلاق دهد. به این ترتیب تأخیر نزدیکی بیش از چهار ماه جایز نیست.

۳-۱-۲. روایت

(اول) روایت صحیح صوفان بن یحیی

در صحیح صوفان بن یحیی از امام رضا علیه السلام آمده است:



صفوان از حضرت درباره مردی که همسر جوانی دارد، سؤال کرد یک سال و چند ماه است که با او نزدیکی نکرده و قصد ضرر رساندن به او را هم نداشته است. برای آنها مصیبتی پیش آمده. آیا این مرد معصیت کرده است؟ فرمود اگر چهار ماه او را ترک کند بعد از آن گناه کار است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۴۰/۲۰)

این روایت به لحاظ سند صحیح و قابل استناد است. (سبحانی، بی تا، ۱۰۴/۱) از نظر دلالت نیز ایرادی بر آن وارد نشده است و مورد قبول فقهاست (موسوی خویی، ۱۴۱۸، ۱۱۷/۳۲). پس حکم حرمت ترک مواقعه بیش از چهار ماه قابل تردید نیست. اگرچه دلالت روایت به زن جوان اختصاص دارد، اما فقها از این دلیل استفاده عموم کرده اند و ترک آمیزش بیش از چهار ماه را برای تمام زنان جایز نمی دانند (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ۱۴۲۳/۵) و در آن صورت، زوج معصیت کرده و ناشز است.

۳-۲-۳. بررسی حقوقی هنگام ترک مواقعه

اگرچه در هیچ ماده‌ای از قوانین مدنی به این تکلیف تصریح نشده و تنها وظیفه همسران را معاشرت نیکو با یکدیگر عنوان کرده اند، ولی ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران عرف و عادت مسلم را معیار دانسته است و می فرماید:

قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت کنند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا قانونی در قضیه مطروحه نباشد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر کنند و نمی توانند به بهانه سکوت، نقص، اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و گرنه مستنکف از احقاق حق شناخته شده است و به مجازات آن محکوم خواهند شد.

حقوق دانان این وظیفه را از عادات مسلم مذهبی و عرفی برشمرده، نزدیکی جنسی هر چهار ماه یک بار را حق زوجه دانسته و ترک آن را از سوی زوج، نشوز می دانند. (امامی، بی تا، ۴۴۷/۴) خودداری شوهر از آمیزش جنسی با زن علاوه بر برآورده نشدن نیاز جسمی و عاطفی زن موجب بی مهری و بی اعتنائی شوهر به زن و اهانت به او شده است که استمرار و ادامه این حالت، زندگی زناشویی را غیرقابل تحمل می کند (لطفی، ۱۳۸۸، ۱۱۵/۲).

۴. ترک قسم

یکی دیگر از حقوق غیرمالی در منابع فقهی برای زوجه حق قسم است. حق قسم با حق زوجه بر موقعه متفاوت است و مبنای آن نیاز زوجه به انس و الفت است. (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۱۲۲) قسم در لغت به معنی قسمت کردن است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۸۶/۵). منظور از حق قسم، تقسیم کردن شب‌ها میان همسران و خوابیدن در کنار هم (غیر از آمیزش جنسی) است (مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۴۲۵).

۴-۱. بررسی فقهی

بیشتر فقها حق قسم را لازم می‌دانند، اما در اینکه تقسیم کردن مخصوص زنان متعدد است یا در مورد تک همسر هم رعایت آن لازم است، اختلاف دارند.

۴-۱-۱. نظر مشهور

مشهور معتقد است زوجه اگرچه یکی باشد از هر چهار شب، یک شب حق بیتوته دارد و بر زوج واجب است در آن یک شب نزد زوجه باشد. در صورت چند همسری، مرد باید از هر چهار شب به تعداد همسرانش نزد آنها بماند و در مورد شب‌های باقی‌مانده تکلیفی ندارد. بنابراین، زوج یک همسر داشته باشد یا چند همسر، واجب است از همان ابتدا شب‌ها را تقسیم کند. (طرابلسی، ۱۴۰۶، ۶۰۷/۲؛ حلی، ۱۳۸۷، ۲۴۸/۳)

۴-۱-۱-۱. ادله قول مشهور

اول) موثقه زراره از امام باقر علیه السلام

در موثقه زراره از امام باقر علیه السلام آمده است:

کسی که با زنی ازدواج کند، پس هر آنچه که برای زنان است از نفقه و قسمت برای آن زن هم هست، ولی اگر آن مرد با زنی ازدواج کند و آن زن بترسد که همسرش نشوز و یا همسری بر او اختیار کند یا او را طلاق دهد، جایز است از حقوق خود در نفقه و قسمتش با او مصالحه کند و اشکالی ندارد. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۴۴/۲۱)

این روایت به طور مطلق بر حق قسم زن دلالت دارد، چه یک همسر باشد یا چند همسر. بنابراین، دلیل مذکور دیدگاه مشهور را تأیید می‌کند؛ زیرا ایشان برای تک‌همسر هم تقسیم را لازم می‌دانند.

دوم) صحیحہ حلبی از امام صادق علیه السلام

در صحیحہ حلبی از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

از حضرت درباره سخن خداوند که می‌فرماید و اگر زنی از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش بیم داشته باشد، پرسیدم، فرمود او زنی است که همسرش او را خوش ندارد و به او می‌گوید می‌خواهم تو را طلاق دهم. زن به او می‌گوید این کار را انجام نده من دوست ندارم از اینکه مورد شماتت قرار بگیرم، ولی در شبی که حق من است هر طور که می‌خواهی عمل کن. حقوق دیگرم هم برای تو، اما مرا به حال خود واگذار. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۴۹/۲۱)

مفاد این روایت بر این مطلب دلالت دارد که زن چه تک‌همسر باشد یا نباشد حق قسم دارد و می‌تواند در صورت ترس از نشوز شوهرش از آن چشم‌پوشی کند. این صحیحہ نظر مشهور را تأیید می‌کند که برای یک همسر هم حق قسم قائل است. در صورت پذیرش یا عدم پذیرش قول مشهور رعایت حق قسم بر زوج لازم است و ترک آن از سوی زوج نشوز محسوب می‌شود. در سخنان فقها آمده است: «همان‌گونه که زوجه ناشزه می‌شود زوج نیز با عدم رعایت حقوق واجب زوجه ناشز می‌شود، پس نشوز زوج با منع زوجه از حقوقی مانند حق قسم و نفقه محقق می‌شود». (اصفہانی، ۱۳۹۳، ۲۱۶/۳؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ۳۰۶/۲)

۴-۱-۲. دیدگاه دوم

بر اساس این دیدگاه حق قسم به صورت مشروط است. اگر مرد یک زن داشته باشد حق قسم ندارد، اما اگر بیش از یک زن داشته باشد و شب را نزد یکی از آنها بماند باید دومی را هم ملحق کند و از چهار شب یک شب را هم نزد او بماند. همچنین است اگر سه یا چهار زن داشته باشد. (طوسی، ۱۳۸۷، ۳۲۵/۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ۵۸۸/۳؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۳۰۹/۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۵۱۹/۲۴)

۴-۱-۳. دیدگاه سوم

دیدگاه سوم این است که در صورت چندهمسری رعایت حق قسم بدون هیچ شرطی لازم است، ولی اگر مرد یک زن داشته باشد، حق قسم ندارد. (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۵۱۷؛ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۴۸۳؛ حلبی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۱)

۴-۲. بررسی حقوقی

در ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی آمده است: «همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف همسران در مقابل همدیگر برقرار می‌شود». وظایف زوجین را بر اساس این ماده چنین تقسیم کرده‌اند:

- وظایفی که میان زوجین مشترک است مثل معاشرت نیکو؛
 - حقوقی که مخصوص زوج است و زوجه مکلف به رعایت آنهاست مانند حق ریاست و تمکین؛
 - حقوقی که برای زوجه است و زوج موظف به انجام آنهاست مانند حق نفقه و قسم.
- از جهت حقوقی نیز رعایت حق قسم بر زوج لازم بوده و ترک آن نشوز است (امامی، بی‌تا، ۴/۴۵۳؛ دیانی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹).

۵. سوء معاشرت زوج

حسن معاشرت از جمله حقوق مشترک میان زوجین است و ترک آن جایز نیست. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رابطه با خوش رفتاری می‌فرماید: «بهترین شما سودمندترین برای خاندانش است و من بهترین شما برای خاندانم هستم. جز شخص کریم، زنان را گرامی نمی‌دارد و جز شخص پلید آنها را خوار نمی‌کند». (پاینده، ۱۳۸۵، ص ۴۷۲) ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی ایران در این زمینه می‌گوید: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند». حسن معاشرت یا خوش رفتاری زن و شوهر مربوط به عرف و عادت و رسوم اجتماعی است و مقتضای آن بر حسب زمان و مکان تغییر خواهد کرد. به طور کلی می‌توان گفت که حسن معاشرت ایجاب می‌کند که زن و شوهر با خوش رویی، مسالمت و صمیمیت با هم زندگی کنند و از مجادله و ناسزاگویی و اهانت به یکدیگر بپرهیزند (صفایی و امامی، ۱۳۹۰، ۱/۱۳۶). بنابراین، زوج باید سعی کند تا از زوجه‌اش دل‌جویی کند، دل او را به دست آورد، رفتار او را تحمل کند و بر آن شکیباً باشد. از مظاهر و مصادیق حسن معاشرت و رفتار خوب با زوجه این است که مرد در رفتار با زوجه‌اش از بهترین کلمات و پسندیده‌ترین کردار استفاده کند و به هیچ وجه با گفتار و کردار خود او را مورد اذیت و آزار قرار ندهد و به کرامت، حیثیت، شخصیت و منزلت او بی‌احترامی نکرده و با خشم و خشونت با او برخورد نکند و نفقه او را در حد توان تأمین کند تا او را راضی نگاه دارد و از بخل پرهیز کند و در حضور او از زنان دیگر تعریف و تمجید نکند؛ زیرا خداوند در این مورد می‌فرماید: «وَلَا تَمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ؛ و هیچ‌گاه به خاطر زیان رساندن

و تعدی کردن، آنها را نگاه ندارید و کسی که چنین کند به خویشتن ستم کرده است» (بقره: ۲۳۱). برخی فقها درباره بداخلاقی، آزار و کتک‌زدن زوجه می‌گویند: «نشوز زوج این‌گونه است که زوج از حقوق واجب زوجه مثل نفقه و قسمت امتناع ورزد یا بدخلقی کند و همسرش را آزار دهد یا بدون مجوز او را کتک بزند». (عاملی، ۱۴۱۳، ۳۶۲/۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۹/۲۴؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ۹۵/۱۲)

۵-۱. بررسی فقهی

۵-۱-۱. آیات

اول) آیه ۱۲۸ سوره نساء

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا.

و اگر زنی از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند و صلح بهتر است، اگر چه مردم بخل می‌ورزند و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

صاحب حدائق با استناد به آیه شریفه می‌گوید:

نشوز مرد عبارت است از اینکه بعضی از حقوق واجب زوجه را نپردازد یا او را کتک بزند و آزار دهد. در این صورت زوجه می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند و اگر زوجه را آزار ندهد و از حقوقش منع نکند، ولی به سبب سالخورده‌گی یا مریضی همسرش از او ناخوشایند است و تصمیم دارد او را طلاق دهد، می‌تواند با او مصالحه کند، یعنی از برخی حقوق خود صرف‌نظر کند و در مقابل زوج نیز او را طلاق ندهد. (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۹/۲۴)

باید گفت تفاوت دیدگاه لغت‌شناسان و فقیهان در مورد واژه نشوز در این مسئله تأثیر بسزایی

دارد. صاحب جواهر می‌فرماید:

حاصل کلام لغت‌شناسان این است که نشوز زن به معنای سرکشی و ناخوشایندی از زوج و نشوز مرد به معنای کتک‌زدن و قهرکردن است، اما نشوز در شرع به معنای خودداری هر یک از همسران از وظایف واجب نسبت به یکدیگر است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۰۲/۳۱)

به نظر می‌رسد واژه نشوز در آیه شریفه به هر دو معنا به کار رفته است، یعنی زمانی که زوج حقوق واجب زوجه را نپردازد یا او را کتک بزند و آزار رساند یا از همسرش ناخوشایند باشد در صورت نخست زوجه می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند و در صورت دوم، یعنی با اکراه زوج از همسرش می‌تواند با او مصالحه کند. بنابراین، می‌توان برخی مصادیق نداشتن حسن معاشرت را از آیه به دست آورد که در اثر ظاهر شدن آنها احکام نشوز جاری می‌شود.

دوم) آیه ۱۹ نساء

«وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و با زنان به طور شایسته رفتار کنید». این آیه قانون اخلاقی ثابت و محکمی را برای مردان در ارتباط با همسرانشان بیان می‌کند. واژه معروف ۳۸ بار در قرآن آمده است و ۱۹ مورد آن خطاب به مردان و درباره رفتار آنان با همسرانشان است. (مهریزی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۹) شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌گوید:

مقصود از معاشرت با زنان مصاحبت است و مصاحبت آن چیزی است که خداوند بدان امر کرده است و عبارت است از انجام حقوق زنان که بر مردان واجب شده است یا رهاسازی آنها به احسان و نیکوکاری. (طوسی، بی تا، ۱۵۰/۳)

معروف در لغت به معنای چیزی است که از نظر شرع و عقل نیکو شمرده شده است. (راغب

اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۶۰) علامه طباطبایی واژه معروف را چنین معنا کرده است:

واژه معروف به معنای چیزی است که میان مردم هر اجتماعی شناخته شده است و سازگار با طبیعت آن مردم باشد و چون دستور به معاشرت با زنان به همراه قید معروف بیان شده است، پس معنای امر به معاشرت با زنان معاشرتی است که در میان مسلمانان معروف باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۵۵/۴)

در احکام القرآن جصاص درباره مصادیق معروف آمده است:

مصادیق معروف عبارت است از پرداخت مهریه و نفقه و رعایت حق قسم و ترک آزار و اذیت زوجه چه از طریق سخن زشت و چه از طریق اعراض و روی گردانی از او و تمایل نشان دادن به غیر زوجه و ترک بد اخلاقی و امثال آن. (جصاص، ۱۴۰۵، ۱۳۸/۲)

بدون تردید معاشرت نیکو تکلیفی واجب برای مردان است و مرد نباید با همسرش معاشرت غیر پسندیده داشته باشد، ولی این اصل عنوانی عام است و مصادیق آن باید معلوم شود. از مصادیقی که در محدوده نشوز قرار می‌گیرند می‌توان قدر متیقن آن را به دست آورد، یعنی کتک

زدن، آزار زوجه و عدم پرداخت نفقه، مصداق‌های معاشرت نامطلوب است، ولی هر اختلاف یا ناسازگاری جزئی را نمی‌توان نشوز دانست.

۵-۲. بررسی حقوقی

در رویکرد قانونی نیز سوء رفتار مستمر زوج نسبت به زوجه از مصادیق نشوز وی بیان شده است. در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی ایران آمده است: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند». این ماده زوج را به حسن معاشرت با همسر ملزم کرده و ضمانت اجرای آن را در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی ذیل موضوع عسر و حرج زوجه بیان کرده است. در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی آمده است:

در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق کند و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

یکی از مواردی که در تبصره این ماده به عنوان یکی از مصادیق عسر و حرج زوجه تصریح شده است بروز هرگونه سوء رفتار مستمر زوج است که با توجه به وضعیت زوجه تحمل‌پذیر نیست. در این حالت با احراز عسر و حرج زوجه در دادگاه زوج اجبار به طلاق شده است و در صورت امتناع، زوجه به اذن قاضی طلاق داده می‌شود. به دلیل ماهیت نسبی و عرفی مفاهیم سوء رفتار زوج و عسر و حرج زوجه تشخیص و احراز این موارد بر عهده قاضی است. بر این اساس می‌توان گفت سوء معاشرت و بداخلاقی زوج در خانواده به صراحت از مصادیق نشوز وی به شمار می‌آید.

۶. نتیجه‌گیری

پس از بررسی آرا و نظرات فقها و حقوق‌دانان درباره موجبات نشوز زوج، این نتایج حاصل شد که فقه‌های امامیه تعریف واحدی از نشوز ارائه نداده‌اند، ولی از دیدگاه حقوق‌دانان به تخلف زوج از ایفای وظایف زوجیت نشوز گفته می‌شود. موجبات نشوز زوج عبارتند از: ترک انفاق، ترک حق قسم و موافقه، سوء معاشرت با زوجه که آیات متعددی بر وجوب انفاق زوج به زوجه دلالت دارند و روایات زیادی نیز در این زمینه در منابع معتبر فقهی یافت می‌شود.

حق قسم و مواقعه از جمله حقوق غیرمالی زوجه است که در منابع فقهی به آن اشاره شده است. مباشرت جنسی با زوجه از اموری است که هر چهار ماه یک بار بر زوج واجب شده است و ترک نزدیکی بیش از چهار ماه جایز نیست. در خصوص حق قسم مشهور فقها معتقدند زوجه اگر چه یکی باشد از هر چهار شب یک شب حق بیتوته دارد و در صورت چند همسری، مرد باید از هر چهار شب به تعداد همسرانش نزد آنها بماند و در مورد شب‌های باقی‌مانده تکلیفی ندارد. در قانون مدنی در زمینه حق قسم و مواقعه ماده‌ای نیامده است، ولی حقوق دانان مبنی بر عرف و عادت مسلم آنها را نیز جزء حقوق زوجه دانسته و تخلف از آن را نشوز می‌دانند. قانون مدنی در ماده ۱۱۰۳ زوجین را به حسن معاشرت با یکدیگر ملزم کرده است. ضمانت اجرای سوء رفتار زوج و عسر و حرج به وجود آمده برای زوجه به خاطر سوء معاشرت زوج در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی ذکر شده است. بنابراین، سوء معاشرت زوج از مصادیق نشوز وی است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی، قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان‌العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر.
 ۲. اراکی، محمدعلی (۱۴۱۴). المسائل الواضحه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
 ۳. اصفهانی، ابوالحسن (۱۳۹۳). وسیله النجاه. قم: چاپخانه مهر.
 ۴. امامی، سید حسن (بی‌تا). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامی.
 ۵. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵). الحدائق الناظره. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۶. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵). نهج‌الفصاحه. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دانشگاه اصفهان.
 ۷. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵). احکام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). حقوق خانواده. تهران: کتابخانه گنج دانش.
 ۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
 ۱۰. حبیبی تبار، جواد (۱۳۸۶). گام به گام با حقوق خانواده. قم: انتشارات گام به گام.
 ۱۱. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). حقوق زن و خانواده. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۱۲. حلبی، ابن‌زهره (۱۴۱۷). غنیه النزوع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
 ۱۳. حلی، ابن‌ادریس (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۲۰). تحریر الاحکام الشرعیه علی المذهب الامامیه. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
 ۱۵. حلی، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 ۱۶. دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۷). حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.
 ۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دارالعلم.

۱۸. سعدی، ابوجیب (۱۴۰۸). القاموس الفقہی لغہ و اصطلاحا. دمشق: دارالفکر.
۱۹. شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۴۱۹). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۲۰. صادقی، شهره (۱۳۹۰). نفقه زوجه در مذاهب خمسہ. قم: بوستان کتاب.
۲۱. صفایی، سیدحسین، و امامی، اسدالله (۱۳۹۰). حقوق خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البیت علیہ السلام.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). تفسیر مجمع البیان. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۵. طرابلسی، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶). المہذب. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۶. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (بی تا). المبسوط فی الفقه الامامیہ. تهران: المکتبہ الرضویہ لاحیاء الآثار الجعفریہ.
۲۸. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (بی تا). النہایہ فی المجرّد الفقہ و الفتاوی. بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۹. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (بی تا). الوسیلہ الی نیل الفضیلہ. قم: انتشارات کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی.
۳۰. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). الروضہ البہیہ فی شرح اللعۃ دمشقیہ. قم: کتاب فروشی داوری.
۳۱. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). مسالک الافہام الی تنقیح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیہ.
۳۲. عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسایل الشیعہ. قم: مؤسسه آل البیت علیہ السلام.
۳۳. عبدالرحمن، محمود (بی تا). معجم المصطلحات و الالفاظ الفقہیہ. قاهرہ: دارالفضیلہ.
۳۴. عکبری، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۰). المقننہ. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: نشر ہجرت.
۳۶. قمی، محمدبن علی بن بابویہ (۱۴۱۵). المقنن. قم: مؤسسه امام ہادی علیہ السلام.
۳۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). حقوق مدنی خانوادہ. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۸. لطفی، اسدالله (۱۳۸۸). حقوق خانوادہ. تهران: انتشارات خرسندی.
۳۹. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۰. مشکینی، میرزا علی (۱۳۷۷). مصطلحات الفقہ. قم: مؤسسه دارالحديث.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب علیہ السلام.
۴۲. مهرپور، حسین (۱۳۷۹). مباحثی از حقوق زن. تهران: انتشارات اطلاعات.
۴۳. مہریزی، مہدی (۱۳۹۰). شخصیت و حقوق زن در اسلام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۴. موسوی خمینی، روح اللہ (بی تا). تحریر الوسیلہ. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۴۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی.